


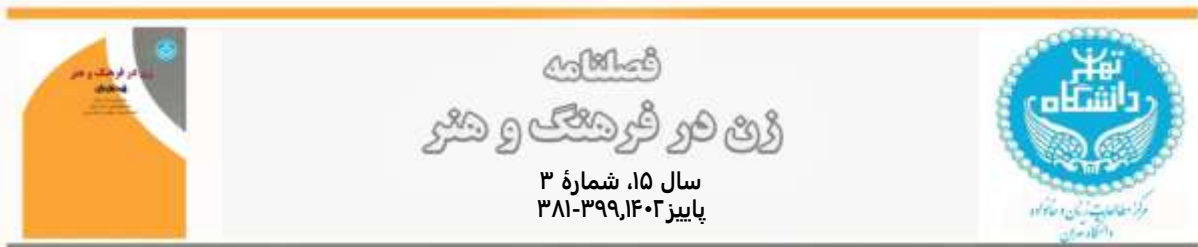
doi 10.22059/JWICA.2022.346328.1815

Critical discourse analysis of Jihad Al-Rajbi's novel "Len Amut Sedi" based on the approach of "Norman Fairclough"

Ezzat Molla Ebrahimi ^{1✉}, mohammad mahdi karimi,²

1. Corresponding author, Professor of Arabic Department, University of Tehran, Tehran, Iran mebrahim@ut.ac.ir
2. PhD student of Arabic language and literature, University of Tehran, Tehran, Iran. mmkarimi74@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Research Type: Research Article	Critical discourse analysis is an important branch and approach of discourse analysis theory. As an interdisciplinary trend, this approach goes beyond the level of sentences and words in examining texts and pays attention to the context of the situation in which the text was formed. Norman Fairclough is one of the theorists of this field, whose theory has three levels of description, interpretation and explanation. This research tries to analyze the three Fairclough's critical discourse levels using the descriptive-analytical approach during the time of Len Amut Sadi Jihad al-Rajbi to explain the author's ideology and speech. The research's conclusions indicate that Jihad al-Rajbi has been able to present his point of view by using the function of words and semantic relations between them, the use of different metaphors of news and positive verbs and the function of plural pronouns. Also, by using intertextuality and invocation in Quranic texts and Islamic themes, he seeks to explain the situation governing Palestine. MR. Al-Rajbi expresses issues such as libertarianism, oppression and tyranny with a rhetorical discourse, and by strengthening the spirit of struggle, he seeks to acquire his own ideology and concepts such as gaining identity, freedom and fighting against the occupiers
Received: 26 July 2022	
Accepted: November 2023	
Keywords: critical discourse analysis, Norman Fairclough, Jihad al-Rajbi, Len Amot Sedi.	
How To Cite: Molla Ebrahimi , karimi (2023) Critical discourse analysis of Jihad Al-Rajbi's novel "Len Amut Sedi" based on the approach of "Norman Fairclough". <i>Women in Culture & Art</i> , 15(3)381-399	
Publisher: University Of Tehran Press..... 	



بررسی و تحلیل گفتمان حاکم بر رمانهای زنان اسلام گرا با تکیه بر نظریه فرکلاف (مطالعه موردی رمان "لن أموت سدی" اثر جهاد رجبی)

عزت ملاابراهیمی^۱، محمد مهدی کریمی^۲

۱. نویسنده مسئول استاد گروه عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mbrahim@ut.ac.ir
 ۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mmkarimi74@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	<p>تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه‌ای مهم و رویکردی نو از نظریه تحلیل گفتمان به شمار می‌رود. این رویکرد به عنوان گرایشی میان رشته‌ای، در بررسی متون از سطح جمله و کلام فراتر رفته و به بافت موقعیتی که متن در آن شکل گرفته است توجه می‌کند. نورمن فرکلاف یکی از نظریه پردازان این عرصه است که ارزیابی سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مولفه‌های اصلی نظریه او را تشکیل می‌دهد. این پژوهش سعی دارد تا سطوح سه‌گانه گفتمان انتقادی را در رمان "لن أموت سدی" اثر خانم جهاد رجبی، از نویسندگان اسلام‌گرای فلسطینی تبار، مورد واکاوی قرار دهد و ایدئولوژی حاکم بر متن او را تبیین کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مؤلف با استفاده از کارکرد واژگان و روابط معنایی میان آنها و نیز بهره‌گیری از استعاره‌های متعدد یا کاربرد استفعال خبری دیدگاه خود را نسبت به اوضاع فلسطین بیان می‌کند. وی همچنین با فراخوانی شخصیت‌های قرآنی، الهام از مفاهیم اسلامی و کارکرد روابط بینامتنی، خوانشگران خود را در مواجهه با بافت موقعیتی جامعه اشغالی قرار می‌دهد و به بیان مسائل حاکم بر جامعه می‌پردازد. در واقع نویسنده از این رهگذر به دنبال کسب ایدئولوژی مد نظر خود و تحقق مفاهیمی چون هویت‌بخشی، آزادی‌خواهی و مبارزه با اشغالگران است..</p>
تاریخ دریافت: ۴ مرداد ۱۴۰۱	
تاریخ پذیرش: ۱۶ آبان ۱۴۰۲	
واژه‌های کلیدی تحلیل گفتمان انتقادی، جهاد رجبی، لن أموت سدی، نورمن فرکلاف.	
استناد به این مقاله: ملاابراهیمی، کریمی، (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل گفتمان حاکم بر رمانهای زنان اسلام‌گرا با تکیه بر نظریه فرکلاف (مطالعه موردی رمان "لن أموت سدی" اثر جهاد رجبی)، زن در فرهنگ و هنر، ۱۵ (۳)، ۳۸۱-۳۹۹.	
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران	



۱. مقدمه

تحولاتی که در سده نوزدهم و بیستم میلادی در سرزمین‌های عربی به وقوع پیوست، سبب شد تا طیف وسیعی از نویسندگان و شاعران جهان عرب به دغدغه‌ها و مشکلات این جوامع اهتمام بورزند و بیان این مشکلات را از وظایف اصلی خود برشمارند. در واقع «این تحولات بستری را فراهم آورد تا ادبیات بتواند به‌عنوان حربه‌ای مؤثر در این جوامع ظهور پیدا کند و به بیان و نقد مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی آن‌ها پردازد» (ورقی، ۱۹۸۴: ۵۰). در میان گونه‌های مختلف ادبی، «رمان به‌دلیل توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق موجود جامعه و نیز بیان نگرش نویسنده از اهمیت بسزایی برخوردار است. چه رمان از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی، جدی‌ترین قالب ادبی به‌شمار می‌رود» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰). از این‌رو است که تحلیل و بررسی رمان می‌تواند پژوهشگران را با دیدگاه‌ها و افکار نویسنده در ابعاد مختلف آشنا کند. یکی از رویکردهای نوینی که در تحلیل رمان مورد استفاده محققان قرار می‌گیرد و تصویر جامعی از زوایای مختلف این اثر ادبی را به مخاطبان خود نشان می‌دهد، روش تحلیل گفتمان است. در تحلیل گفتمان «برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، محقق صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سروکار ندارد. بلکه فراتر از آن با عوامل بیرونی متن یعنی بافت موقعیتی، بافت فرهنگی و اجتماعی نیز روبه‌رو می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

در این میان از مهم‌ترین رویکردهای تحلیل گفتمان، نظریه تحلیل انتقادی نورمن فرکلاف است که برای تحقیق در حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۰). این رویکرد از لحاظ فلسفی متأثر از نظرات فوکو، فروید و مارکس است و «در نظر دارد که نگرش صورت‌گرایی نسبت به زبان را به مسائل اجتماعی ارتباط دهد و آن را به سمت و سویی ببرد که زبان‌شناس خود را عنصری مسئول نسبت به مسائل اجتماعی بداند» (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲۸). جهاد رجبی از نویسندگان بارز اسلام‌گرا و فلسطینی‌تبار ساکن اردن است که درون‌مایه اغلب رمان‌های او را موضوع اشغال فلسطین و انتفاضه مردمی تشکیل می‌دهد. رمان لن اموت سدی از مشهورترین آثار او است که مقام نخست را در مسابقات انجمن جهانی ادبیات اسلامی در ۱۹۹۳ از آن خود کرد. از آنجا که در تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردهای سیاسی و اجتماعی مدنظر محقق است، واکاوی این رمان که تحت‌تأثیر محیط بحران‌زده فلسطین نوشته شده است، این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا با آشکار ساختن لایه‌های عمیق و پنهان معنایی متن، به دیدگاه و ایدئولوژی مؤلف از آفرینش این اثر دست پیدا کند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون رمان‌های مختلف عربی و فارسی براساس نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی و تحلیل شده است که مرتبط‌ترین پژوهش‌ها ذکر می‌شود. در رابطه با آثار جهاد رجبی می‌توان به پژوهش‌های انجام‌شده زیر اشاره کرد:

خدیجه وایی (۲۰۰۵)، «الرؤية الإسلامية في روايات جهاد الرجبی» پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، مالزی؛ نویسنده در این اثر به تبیین اندیشه‌های اسلامی در رمان‌های جهاد رجبی پرداخته و از نگرش فکری و فرهنگی وی در مواجهه با پدیده اشغالگری و دیگر معضلات اجتماعی فلسطین سخن گفته است. ابن حبان (۲۰۱۷)، «الصراع النفسي في رواية لن أموت سدي لجهاد الرجبی» پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اسلامی دارالسلام. نویسنده در این پژوهش رمان مورد نظر را از بعد روانکاوانه مورد بررسی قرار داده و ضمن بیان ابعاد روانی شخصیت‌های داستان، واکنش‌های دفاعی هرکدام از آنان را در مواجهه با اشغال و پیامدهای ناشی از جنگ تبیین کرده است.

محمدعباس عربی (۲۰۱۷)، «قراءة في بعض الأعمال الروائية للأدبية الإسلامية جهاد الرجبی». در این مقاله کوتاه، مضامین رمان‌های جهاد رجبی، به‌عنوان نویسنده‌ای اسلامگرا، بررسی و در سایت انجمن ادبای مسلمان جهان منتشر شده است.

افزون بر این‌ها، چند مقاله مختصر دیگر در سایت‌های مختلف اینترنتی درباره داستان‌های جهاد رجبی یافت شد که «قراءة تحليلية في رواية رحيل للكاتب الإسلامية جهاد الرجبی» و «تحويلات خطاب المقاومة من حديث الموت إلى الحياة، قراءة في رواية رحيل لجهاد الرجبی» از آن جمله است.

۱-۲: پرسش‌های تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال این است که با تحلیل گفتمان انتقادی رمان لن أموت سدی به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. مهم‌ترین گفتمان حاکم در این رمان چیست؟
۲. ویژگی‌ها و کارکردهای برجسته گفتمانی این رمان بر مبنای سطوح مورد نظر فرکلاف و انتقال مضامین مورد نظر نویسنده به مخاطب، به چه شکلی نمود پیدا کرده است؟

۲. چارچوب نظری

گفتمان معادل واژه فرانسé Discours، اصطلاحی زبان‌شناختی است که به سرعت وارد علوم انسانی شد و کاربرد وسیعی یافت. اولین بار زلیگ هریس این اصطلاح را به کار برده است. این واژه در زبان فارسی به معنی

مباحثه، گفتمان، گفتار، گفت‌وگو و سخن ترجمه شده است. با این همه «اجماع روشنی درباره چستی گفتمان و شیوه عملکرد و تحلیل آن و نیز توافق عامی در باب تحلیل گفتمان وجود ندارد» (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۷). اما صاحب‌نظران تعریف‌های مختلفی از گفتمان و تحلیل گفتمان ارائه کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. به عقیده میشل فوکو «ما مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترک باشند، گفتمان می‌نامیم. به عبارت دیگر گفتمان متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آن‌ها مجموعه‌ای از شرایط ورودی را تعریف کرد» (به نقل از سلطانی، ۱۳۸۴: ۴۰). فرکلاف در این راستا می‌گوید: «من گفتمان را مجموعه به هم‌تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌دانم که تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد» (۱۳۷۹: ۹۷-۹۸). ون‌دایک بر این باور است که گفتمان دارای سه عنصر کاربرد زمان، برقراری ارتباط میان باورها (شناخت) و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی است (۱۳۸۲: ۱۹). اما زبان‌شناسان دیگری همچون فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی را روشی می‌دانند که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱). به عقیده فرکلاف «متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است. در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که علاوه بر اینکه با یکدیگر مرتبط‌اند، کلیتی را می‌سازند که بدان گفتمان می‌گویند» (به نقل از نیستانی، ۱۳۸۳: ۱۳).

تحلیلگران گفتمان انتقادی، در نقد زبان‌شناختی خود، الگوهای مختلفی را برای تحلیل متون ادبی پیشنهاد کرده‌اند که از میان آن‌ها، «دیدگاه روایی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دیدگاه، تحلیلگر، عرصه مطالعه و بررسی خود را به آن سوی جملات گسترش می‌دهد و به شرح فرایندهای ارتباطی متون می‌پردازد؛ یعنی سطوح بالاتر و انتزاعی‌تر روابط قدرت، ایدئولوژی و بافت تاریخی و اجتماعی را واکاوی می‌کند. دیدگاه روایی دارای چهار سطح است: سطح عبارت‌شناختی، سطح مکانی-زمانی، سطح ایدئولوژیکی و سطح روان‌شناختی (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۲۵). بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی که مفاهیم بنیادین قدرت، زبان و ایدئولوژی را مورد بحث قرار می‌دهد، عبارت است از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله و روابط دستوری همچون فعل، فاعل و مفعول به سطح متن بزرگ‌تر. این دیدگاه افزون بر توضیح واحدهای ساختاری درون یک متن، به زبان کاربردی آن نیز توجه کامل دارد (میلز، ۱۳۹۲: ۱۷۱). از دیدگاه فرکلاف، گفتمان، اوضاع اجتماعی را مطالعه می‌کند که تحت تأثیر آن متنی خلق می‌شود؛ همچنین موقعیت اجتماعی را که متن در آن قرار می‌گیرد، تفسیر می‌کند. بدین ترتیب گفتمان از یک سو مطالعه زبان‌شناختی نظام اجتماعی و از سوی دیگر، مطالعه جامعه‌شناختی زبان است. در این زمینه، وی عقیده دارد که میان ساختارهای خرد گفتمان، ویژگی‌های زبان‌شناسی، ساختارهای کلان جامعه، ایدئولوژی

و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیکی وجود دارد (۱۳۷۹: ۸۵). به عبارتی فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال آن است که نشان دهد رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آیند و وارد مبارزات قدرت می‌شوند. از این منظر هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که نقش کنش‌های گفتمانی، متون و رخدادهای ارتباطی را در حفظ و بقا یا تغییر جهان اجتماعی موجود نشان دهد. تحلیل گفتمان انتقادی، متن را به صورت مبسوط و همه‌جانبه تحلیل می‌کند تا با چگونگی عملکرد زبانی فرایندهای گفتمانی در متون مورد بررسی آشنا شود. وی معتقد است میان متن، کنش‌های گفتمانی و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای پیچیده برقرار است که برای شناخت آن باید از برداشت ساده‌انگارانه و سطحی میان متن و جامعه فراتر رفت (همان: ۶۷).

۳. خلاصه رمان لن اُموت سدی

موضوع این داستان درباره‌ی شخصی فلسطینی به نام وائل است. رمان از آنجایی شروع می‌شود که شخصیت اصلی داستان به نام وائل تصمیم می‌گیرد از فلسطین به آمریکا برود. اما خواهرش حیا، برادرش علی و مادرش مخالف تصمیم او هستند. وائل معتقد است ماندن در فلسطین، او را از رسیدن به آرزوها و زندگی مرفه دور می‌کند. او حتی شیوه‌ی مقاومت این مردم در برابر اشغالگران صهیونیستی به وسیله‌ی سنگ را به یاد می‌گیرد. داستان از همان ابتدا با ایجاد کشمکش و دوگانگی میان وائل و خانواده‌اش آغاز می‌شود و این تناقض‌ها تا پایان داستان ادامه می‌یابد. برادرش علی، یکی از همان جوانانی است که با سنگ در برابر دشمن مقاومت می‌کند و می‌کوشد تا وائل را از رفتن منصرف کند و اهمیت ماندن در وطن و مبارزه برای آزادسازی فلسطین را به او گوشزد کند. وائل در این سفر به دلیل حرف‌هایی که خانواده‌اش به او زده‌اند، حس خائن بودن را در وجود خود احساس می‌کند و مدام با این تناقض درونی خود در جنگ است. دلیل رفتن او به آمریکا دختری به نام جین است که چند سال قبل که به فلسطین آمده بود، عاشق او می‌شود. جین با تلاش بسیار پدرش را راضی می‌کند تا وائل را نیز به آمریکا ببرد. بالاخره وائل راهی سفر می‌شود. وی در طول این سفر هوایی با پیرزنی اروپایی که در کنارش نشسته، به گفت‌وگو می‌پردازد. همچنین خاطرات گذشته خود از جمله زندانی شدن در زندان‌های رژیم صهیونیستی و شکنجه‌های وحشیانه آن‌ها را به یاد می‌آورد؛ شکنجه‌هایی که قلبش را ضعیف و بیمار کرده است. در جریان صحبت وائل با این زن، گفت‌وگو به شکل دیگری رقم می‌خورد و پیرزن سعی دارد تا وائل را نسبت به گذشته پرافتخار وطن خود بیدار کند تا غرب را مکانی برای رسیدن به آمال و آرزوهای خویش نبیند. این گفت‌وگوها سبب می‌شود تا وائل که از همان ابتدا با تناقض و دوگانگی درونی مواجه بود، بیشتر در تصمیم خود دچار تردید شود. در نهایت وقتی به خاک آمریکا می‌رسد، در قاب تلویزیون فرودگاه که صحنه‌هایی از انتفاضه مردم فلسطین

و اخبار مربوط به آن را پخش می کند، برادرش علی را می بیند که به وسیله سربازان صهیونیست دستگیر شده است. وائل با مشاهده این صحنه از حال می رود و چند روزی در بیمارستان بستری می شود. دیدن این صحنه وائل را متحول می کند و درصدد بازگشت به فلسطین برمی آید تا همان گونه که در عنوان رمان آمده، بیهوده در خاک بیگانگان نمیرد. اما قلب ضعیفش، او را به مقصد نمی رساند و سرانجام در همان فرودگاه و در دیار غربت جان خود را از دست می دهد.

۴. داده های اصلی پژوهش

۴-۱. سطح توصیف

در این مرحله متن جدا از سایر متن ها، زمینه و وضعیت اجتماعی مورد تحلیل قرار می گیرد. مجموعه ویژگی های صوری که در یک متن یافت می شود، می تواند به عنوان انتخاب هایی خاص از میان گزینه های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شود که متن از آن ها استفاده می کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۹)؛ بنابراین متن در مرحله توصیف، در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن بررسی می شود. نحوه استفاده از واژگان، عناصر گرامری، ضمائر به کاررفته در متن و شناسایی استعاره های موجود در آن، از جمله مسائلی است که در این قسمت مورد توجه پژوهشگر واقع می شود. مطابق این نوع تحلیل، محقق باید به این نکات توجه داشته باشد که به لحاظ ایدئولوژیک چه نوعی از روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) میان کلمات وجود دارد. در سطح لایه واژگانی، جنبه استعاری واژگان و نحوه کاربرد ضمائر چگونه است؟ جملات بیشتر از نوع معلوم اند یا مجهول؟ جملات مثبت اند یا منفی؟ مؤلف از کدام وجه خبری، پرسشی یا امری بیشتر استفاده کرده است؟ آیا ضمیرهای جمع بسامد بیشتری دارد یا ضمائر مفرد؟ نحوه کاربرد آن ها چگونه است؟ (همان: ۱۷۰-۱۷۱).

۴-۱-۱. واژگان

یکی از مهم ترین بخش های تحلیل گفتمان انتقادی در نظریه فرکلاف، بررسی لایه واژگانی است؛ چرا که می توان با استفاده از بسامد واژگان، گفتمان حاکم بر جامعه را بازتاب داد. در واقع «به هم پیوستگی و یکپارچگی واژگان در متن، یک معنا و مفهوم خاصی را به تصویر می کشد و معنای واژگان مفرد چنان با دیگر عناصر متن درمی آمیزد که گویی فقط تداعی گر یک معنا و آن هم معنای برخاسته از کل سخن است» (جرجانی، ۱۹۹۷: ۸۷).

۴-۱-۲. نوع روابط معنایی

بر اساس نظریه فرکلاف، یکی از مسائل مهمی که شناخت آن به فهم متن کمک شایانی می‌کند، درک نوع روابطی است که از لحاظ معنایی میان کلمات وجود دارد که ممکن است به سه صورت زیر باشد:

۴-۱-۳. شمول معنایی

شمول معنایی در اصطلاح زبان‌شناسی، «به حالتی اشاره دارد که معنای یک واژه توسط یک واژه دیگر که معنای فراگیرتری دارد، پوشش داده شود» (شجاع رضوی، ۱۳۸۶: ۱۷).
 جهاد رجبی در رمان لن‌اموت سدی با ذکر پیاپی کلماتی که در سطحی فراتر از ظاهر، دربردارنده مفهومی واحد هستند در پی القای ایدئولوژی خود به مخاطبان است. از آنجا که موضوع اصلی رمان، حول محور فلسطین و مقاومت این ملت در برابر رژیم صهیونیستی است، جهاد رجبی کلمات متعددی را در متن برمی‌گزیند که نشان‌دهنده موضوع مقاومت باشد؛ همچون «حجاره»، «انتفاضه»، «حرب»، «ثوره»، «معرکه»، «جهاد» که همگی در یک دایره معنایی قرار می‌گیرند و تداعی‌گر مبارزات مردم فلسطین با رژیم صهیونیستی است. مؤلف در موارد زیادی از کلمه «حجاره» و یا «رمی الحجاره» استفاده می‌کند تا نوع مقاومت مردم در برابر دشمن با کمک «سنگ» را بیان کند. همچنین کلمات «أرض»، «وطن»، «دین»، «أم»، «هویه» از لحاظ معنایی، مفهومی واحد یعنی هویت‌گرایی و نگاه به وطن، سرزمین، دین، مادر را به‌عنوان امری که پیونددهنده انسان به اصل و ریشه خود است، القا می‌کنند. وائل شخصیت اصلی رمان، در سرتاسر داستان همواره مادر، وطن و هویت خود را به یاد می‌آورد؛ بنابراین مؤلف از مادر همچون نمادی برای رجوع انسان به اصل خویش بهره می‌برد. از دیگر کلماتی که دارای رابطه شمول معنایی هستند می‌توان از سجن، ألم، تعذیب، زنانه نام برد. از آنجا که نظامیان اشغالگر صهیونیست با حمله به معترضان فلسطینی آنان را بازداشت و در زندان‌های مخوف خود شکنجه می‌کنند، نویسنده با کنار هم قراردادن این واژگان که در یک دایره معنایی مشترک‌اند، به‌خوبی توانسته فضای رعب‌آور زندان را ترسیم کند. کلمات خائن، عمیل، خیانه، عدو نیز از جمله واژگانی هستند که یک مفهوم از آن‌ها برداشت می‌شود. وائل که پس از ترک فلسطین و رفتن به آمریکا، از سوی هموطنان خود به‌عنوان شخصی مزدور و خیانتکار به وطن، خطاب می‌شود، دائماً از حس دوگانگی ناخوشایندی رنج می‌برد و با خود می‌اندیشد که آیا به وطن خیانت کرده است یا نه.

۴-۱-۴: هم معنایی

هم معنایی موردی است که در آن کلمات دارای معنای یکسان هستند. البته شایان ذکر است که یافتن کلماتی که کاملاً و به صورت مطلق معنای یکسان داشته باشند دشوار است. از این رو باید به دنبال کلماتی بود که هم معنایی تقریبی دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

استفاده از کلماتی که دارای معنای واحدند، معمولاً معنایی تأکیدی به جمله می بخشد. یکی از اهداف و افکار اصلی مؤلف این رمان، دمیدن روح ایستادگی و پایداری در مقابل دشمن به مخاطبان است. رجبی با بهره گیری از دو کلمه مقاومت و صمود که هر دو نشانگر ایستادگی مردم فلسطین در مقابل ارتش اشغالگر قدس است و بسامد چشمگیری در رمان مورد بحث دارد، این فکر را القا می کند. وائل که در درون خویش دچار دوگانگی بین مقاومت یا رفتن است با خود می گوید: «لماذا هذه المقاومة؟! سوف نموت» [این ایستادگی برای چیست؟ خواهیم مرد] (رجبی، ۱۹۹۳: ۲۹). نویسنده در توصیف زمانی که وائل را به زندان رژیم صهیونیستی می برند، می نویسد: «لقد اكتشف أنه يحفظ قدرا كبيرا من القرآن دون أن يدرى! قدرا يجعله أكثر استعدادا للصمود!» [او متوجه شد که مقدار زیادی از قرآن را بدون اینکه بداند حفظ است! مقداری که او را آماده تر برای مقاومت می کند!] (همان: ۶۵). وقتی حیاة خواهر وائل به او می گوید: «ابق معنا يا وائل... أرجوك... كل الذين يذهبون لا يرجعون.» [وائل! لطفاً پیش ما بمان... هر کس رفته، دیگر برنگشته است] (همان: ۱۱)، وائل در جواب او می گوید: «والذين يلقون الحجارة لا يعودون» [کسانی که سنگ پرتاب می کنند، باز نمی گردند] (همان). دو فعل «لا يرجعون و لا يعودون» دارای معنایی یکسان هستند. این دو واژه هم معنا از یک سو نگرش وائل به مقوله انتفاضه را نشان می دهد و از سوی دیگر، بیانگر دیدگاه افراد خانواده در قبال مهاجرت وائل است. در همان صفحات ابتدایی رمان، شخصیت اصلی که انتفاضه را بی فایده می داند و تصمیم به رفتن به آمریکا می گیرد با احساس طردشدنی که از سوی خانواده دریافت می کند، دچار حیرانی درونی بیشتری می شود که آیا رفتن کار درست است یا ماندن و ایستادگی. دو کلمه مترادف مطرود و منبوذ این امر را نشان می دهند. علی به برادرش وائل می گوید: «ما الذى يجعلك تبعد كالمنبوذ؟» [چه چیزی تو را وادار می کند که همچون شخصی رانده شده دور شوی؟] (همان: ۷)، وائل نیز با مشاهده رفتار خانواده اش با خود می گوید: «هل أخرج من بيتنا كالمطرود؟!» [آیا همچون فردی طرد شده از خانه مان می روم؟!] (همان: ۱۱). از آنجا که رمان حول محور انتفاضه مردم فلسطین است، فضای غم آلود ناشی از جنگ و کشتار مظلومان نیز در سراسر رمان طنین افکن است. همچنین وائل که در درست یا نادرست بودن کار خود تردید دارد، غمی درونی را با خود حمل می کند. رجبی با ذکر متعدد دو کلمه مترادف حزن و ألم در موارد متعدد، این حس را به مخاطب نشان می دهد. پیرزن همسفر وائل با مشاهده اندوه وی می گوید: «لماذا هذا الحزن، وأنت ذاهب لبلاد الفرص الكبيرة؟!» [این

اندوه برای چیست وقتی که در حال رفتن به کشور فرصت‌های بزرگ هستی؟] (همان: ۱۳۶). نویسنده حالت وائل در هنگام دیدن شکنجه‌کردن برادرش را به این صورت وصف می‌کند: «صراخ الألم بیکی فی عینیه» [فریاد درد و غم در چشمانش می‌گرید] (همان: ۱۶۹).

۴-۱-۵. تضاد معنایی

تضاد معنایی همان ناسازگاری معنایی است؛ یعنی معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازوار است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸). جهاد رجبی با استفاده از پیوند ناسازواری میان برخی از واژگان و ایجاد دوگانگی میان آن‌ها سعی در القای ایدئولوژی و هدف مورد نظر خود به مخاطبان دارد. می‌توان گفت پرسامدترین کلمات متضاد در این رمان، تقابلی است که میان دو واژه موت و حیاة برقرار شده است. پس از آنکه وائل به برادرش علی می‌گوید هدف من از رفتن به آمریکا، زندگی است و من حیات را می‌خواهم، برادرش در جواب او می‌گوید: «حیاتک لا تعنی غیر الموت» [زندگی‌ات مفهومی جز مرگ ندارد] (رجبی، ۱۹۹۳: ۹). این جمله بیانگر نگرش متفاوت وائل و خانواده‌اش در مورد این تصمیم است. شخصیت اصلی رمان به‌عنوان فردی که در یافتن راه درست زندگی، مدام با خود درگیر است: در آغاز، رفتن به آمریکا را مایه خوشبختی و ماندن در فلسطین را موجب مرگ و ازدست‌رفتن آرزوهایش می‌بیند، اما در پایان داستان، این نگرش او عوض می‌شود و در می‌یابد زندگی در صورتی مفهوم واقعی خواهد یافت که در راه وطن و در مسیر دستیابی به آزادی باشد. تقابل دیگری که در این داستان به چشم می‌خورد و مؤلف با بهره‌گیری از بار معنایی کلمات، در پی بیان مفهوم مورد نظر خود است، تضاد میان کلمات خطا و صواب است. این دو کلمه در راستای نشان دادن سرگردانی شخصیت اصلی داستان در تشخیص راه درست از نادرست به کار رفته است و کلمات دیگری چون أمل و یأس، این حس دوگانگی و بی‌هویتی او را پررنگ‌تر می‌کند؛ زیرا وائل که مهاجرت به آمریکا را تنها راه تحقق آمال و آرزوهای خود می‌پندارد، از ماندن در فلسطین و مبارزه در کنار هموطنان خود مأیوس است و مجاهدات آنان را کاری عبث و بیهوده تلقی می‌کند. دو فعل «أعود» و «لن أعود» نیز معنای متضادی را دربردارد. از یک سو وائل به خانواده خود می‌گوید: «قد أعود یوما» [شاید روزی بازگردم] (همان: ۱۵). اما از سویی دیگر خانواده وائل یقین دارند که او هرگز باز نخواهد گشت و اگر هم بازگردد دیگر سودی ندارد، چرا که وطن خود را رها کرده است؛ «المسافر الذی لن یعود» [مسافری که باز نخواهد گشت] (همان: ۱۳). دو کلمه متضاد ضعف و قدره نیز در این رمان، چند بار تکرار شده است. وائل خطاب به خانواده‌اش می‌گوید: «ولدت لأحیا، فلماذا تصرّون علی قتلی بضعفکم؟» [من به دنیا آمدم که زندگی کنم، چرا اصرار دارید که مرا با ضعفتان بکشید؟] (همان: ۱۵). پیرزنی که در هواپیما کنار وائل نشسته، به او که دچار خودکم‌بینی شده است می‌گوید: «یدهشک المسلمون، بحضارتهم، ویمنحونک القدره علی

الاستمرار من حیث توقفوا» [مسلمانان با تمدن خود تو را شگفت زده می کنند و این توانایی را به تو می بخشند تا از آنجایی که کار متوقف شده است، ادامه مسیر بدهی] (همان: ۴۲). تا قدرت اسلام را به او نشان دهد و او را از عظمت آن آگاه سازد.

از آنچه گذشت دریافتیم که کلمات مورد استفاده در این رمان و همنشینی آن ها نقش بسزایی در برجسته سازی جهان بینی نویسنده و بیان نگرش وی به موضوع مقاومت داشته است. دلیل ذکر این واژه ها در کنار یکدیگر، تحقق روابط معنایی و ایدئولوژیکی مورد نظر مؤلف است.

۴-۱-۶. کاربرد جملات، افعال و ضمائر

رمان لن آموت سدی از زبان سوم شخص و از زاویه دید دانای کل روایت می شود. از این رو بیشتر جملات آن خبری است؛ زیرا «استفاده از ساخت های وجه اخباری نشان دهنده درجه قطعیت بالای متن و موضع اقتدار روایت است» (درپر، ۱۳۹۲: ۸۱). البته بخشی قابل توجه از رمان نیز اختصاص به گفت و گوهای دوفره دارد که این گفت و گوها در مواردی از وجه خبری خارج شده و وجه پرسشی به خود گرفته است؛ چرا که مؤلف با استفاده از جملات استفهامی، احساسات و حیرت مخاطب را برمی انگیزد تا به دنبال یافتن پاسخی برای سؤال خود باشد. در میان جملات خبری، بسامد جملات فعلیه بر جملات اسمیه غلبه دارد. چندان که رمان با جمله فعلیه «وقف صامت» [ساکت ایستاد] شروع می شود (رجبی، ۱۹۹۳: ۵) و با جمله فعلیه نیز پایان می یابد «لیموت واقفا» [تا ایستاده بمیرد] (همان: ۱۷۴). جملات فعلیه «علاوه بر زمان مند بودن، بر پویایی و حرکت نیز دلالت می کنند» (عکاشه، ۲۰۰۵: ۸۳). از این رو مؤلف بر فرایند کنش انجام شده اهتمام بیشتری دارد.

اکثر افعال مورد استفاده در رمان، معلوم هستند و جمله مجهول کمتر به چشم می خورد که این امر بیانگر مشخص بودن شرکت کنندگان در فرایند رمان است و به شناخت دقیق مؤلف از مخاطبان و همچنین تجربه نویسنده در این فرایند بازمی گردد. در این داستان هر شخصیت، گفتار خاص خود را با توجه به تیپ شخصیتی و گفتمان اجتماعی و سیاسی خویش دارد و گوینده آنچه را در ورای اندیشه اش می گذرد آشکارا بیان می کند. وجه معلوم در جملات، نشان دهنده تسلط و آگاهی راوی از اتفاقات پیرامون خود است و برعکس، مجهول بودن بیانگر عدم تسلط نویسنده بر واقعیت است. از سوی دیگر، مشخص بودن فاعل افعال، بر قدرت و توانایی مخاطب برای نتیجه گیری می افزاید و موجب فراهم شدن مقدمات فهم متن می شود؛ زیرا «سخنران با استفاده از جملات معلوم، کنش ها را مستقیماً به کنشگران آن ها نسبت می دهد» (عکاشه، ۲۰۰۵: ۶۵). این رمان در تسلسل زمانی، متکی به جریان سیال ذهن و تکنیک بازگشت به گذشته است. اما حوادث داستان برخلاف تسلسل و ترتیب رخداد روایت می شود. چندانکه وائل به هنگام پرواز و

صحبت با پیرزن همسفر خود، پشت سر هم، اما در زمان‌های نامعین، خاطرات گذشته خود را در ذهن مرور می‌کند.

جهاد رجبی در این رمان اغلب از افعال مثبت بهره گرفته و می‌خواهد گفتمان خود را در ذهن مخاطبان مسلط کند. به عبارت دیگر، تسلط و مهارت نویسنده سبب شده تا مخاطب را تحت نفوذ اندیشه خود قرار دهد و این فرایند به تأثیرگذاری بیشتر گفتمان منجر می‌شود. البته وی گاهی از ظرفیت جملات و افعال منفی نیز برای تأکید کلام خود بهره می‌برد. بیشتر جملات مورد استفاده در این رمان، جملات فعلیه هستند که از منظر دلالت‌های معنایی می‌توان گفت جملات فعلیه دلالت بر حرکت، تغییر و دگرگونی دارند و به متن، تحرک و پویایی می‌دهند. همان‌طور که محتوای داستان نیز سعی در بیدار ساختن «انسان فلسطینی» برای یافتن هویت گمشده خویش است. گویا مؤلف بدین وسیله می‌خواهد مخاطب خود را به مبارزه با دشمن اشغالگر تا رهایی میهن و آزادی کامل آن ترغیب کند و به جنبش و تحرک وادارد. می‌توان گفت بنای جملات، از محتوا و مضمون روایت تأثیر پذیرفته است. در خصوص ضمیرهای به کاررفته در این متن باید گفت به علت اینکه زاویه دید اصلی رمان، سوم شخص است، هم ضمائر سوم شخص در آن به کاررفته و هم به دلیل گفت‌وگو محور بودن متن و جملاتی که میان شخصیت‌های مختلف آن ردوبدل می‌شود، از ضمائر اول شخص و دوم شخص «أنا، أنت، نحن و أنتم» نیز استفاده شده است. هنگامی که ضمیرها به صیغه جمع همانند «نحن و أنتم» آمده است، بیانگر تقابل جمعی میان همه فلسطینیان با دشمن مشترک خود است و به نوعی هویت جمعی آن‌ها را نشان می‌دهد. وائل خطاب به پیرزن همسفرش که او را ترسیده توصیف می‌کند می‌گوید: «نحن لا نخاف من الموت» [ما از مرگ نمی‌ترسیم] (رجبی، ۱۹۹۳: ۳۷). اینکه وائل با وجود جدایی از خانواده خود و داشتن دیدگاهی متفاوت با بقیه مردم فلسطین، هنوز از ضمیر جمع استفاده می‌کند، نشانگر این است که خود را از مردم خویش جدا نمی‌بیند. یا در جایی دیگر به آن پیرزن می‌گوید: «من منا يخاف الموت أكثر، نحن؟ أم أنتم؟» [کدام یک از ما بیشتر از مرگ می‌هراسد؟ ما یا شما؟] (همان: ۸۳). نویسنده با بهره‌گیری از کارکرد ضمائر، توانسته است دوگانگی بین مردم فلسطین و دشمنشان را برای مخاطب خویش ملموس سازد.

۴-۱-۷. جنبه‌های استعاری

از جمله تکنیک‌های داستانی که جهاد رجبی برای بیان ایدئولوژی مورد نظر خود در این رمان به کار می‌بندد، کاربرد وجه استعاری واژگان است. وائل مقاومت فلسطینیان در برابر رژیم صهیونیستی را به سخره می‌گیرد؛ چرا که تنها سلاح این ملت در مواجهه با دشمن سرتاپا مسلح، سنگ است. به این ترتیب می‌گوید: «هؤلاء الأغبياء... لتملأ الحجارة بطونهم الخاوية... ولتعد قتلاهم إن استطاعت.» [این احمق‌ها باید

شکم‌های خالی‌شان را از سنگ پر کنند و کشته‌هایشان را برگردانند؛ البته اگر بتوانند] (رجبی، ۱۹۹۳: ۵). کاربست استعاره و جان‌بخشی به «سنگ»، در تفکر وائل بر بیهوده‌بودن جریان مقاومت در برابر دشمن اشغالگر و بی‌ثمر بودن روند مبارزات مردمی دلالت دارد. چرا که او تحقق آرزوها و خوشبختی واقعی خود را در گرو ترک وطن، دوری از اوضاع ناگوار آن و مهاجرت به آمریکا می‌داند و معتقد است که در آنجا با به دست آوردن پول و ثروت می‌تواند، خلاً دوستان و خانواده‌اش را پر کند. دیگر جملات استعاری که وائل در داستان به کار برده، بر این مطلب صحنه می‌گذارد: «الدنيا تفتح أبوابها هنا، کی تحضن الباحثين عن أحلامهم.» [جهان درهائش را در آنجا می‌گشاید تا کسانی را که به دنبال رؤیاهای خود می‌گردند، در آغوش بگیرد.] (همان: ۷) یا «المال وحده يخلق الأصدقاء.» [پول به تنهایی دوست می‌آفریند.] (همان: ۱۰). او در ابتدا به اندازه‌ای عطش رفتن و مهاجرت دارد که حتی به وطن خویش اهمیتی نمی‌دهد، به طوری که در جواب علی که سعی در منصرف کردنش دارد و به او می‌گوید: بدون وطن، زندگی‌ای وجود ندارد، پاسخ می‌دهد: «الحياة تخلق الوطن، أی أرض تحتوینی و تعطینی ما أستحق، جدیره بأن تكون وطننا لأحلامی.» [زندگی وطن را می‌آفریند، هر سرزمینی که مرا در خود جای دهد و آنچه که لیاقتش را دارم به من بدهد شایسته این است که وطنی برای رؤیاهایم باشد] (همان: ۷). رجبی با استفاده از استعاره در کلمات «الدنيا، المال، الحیاة» به خوبی دیدگاه وائل را به تصویر کشیده است. علی از هیچ تلاشی برای منصرف کردن وائل دریغ نمی‌کند. در جایی او را مورد خطاب قرار می‌دهد: «ألا تشعر بالعار یلطح جسدک وأنت تهرب من أرضک» [آیا هنگام فرار از سرزمین خود احساس نمی‌کنی که ننگ و عار بدنت را لکه دار می‌کنی] (همان: ۵۱). با بهره‌گیری از استعاره در کلمه «عار» رها کردن وطن و رفتن وائل، مایه ننگ بیان می‌شود. با وجود تلاش فراوان خانواده، اما وائل از تصمیم خود برای مهاجرت منصرف نمی‌شود. از این رو وقتی به هنگام خداحافظی به خواهرش می‌گوید: «ألن تقولی وداعاً؟!» [آیا خداحافظی نمی‌کنی؟!]. جمله «أیقال للمیت وداعاً» [آیا با مرده خداحافظی می‌کنند] (همان: ۱۲)، را از او می‌شنود. وجه استعاری‌ای که نویسنده در این جمله به کار برده در نگرش وائل و خانواده‌اش به پدیده مهاجرت نمود پیدا می‌کند. در حالی که وائل برای دستیابی به زندگی امن و مرفه به کشور آمریکا مهاجرت می‌کند، اما خانواده‌اش این اقدام را مساوی با مرگ و نیستی وی می‌دانند و به او نام مرده می‌دهند. رجبی سعی دارد فضای مقاومت مردم فلسطین در برابر متجاوزان اسرائیلی و کشتار کودکان و بی‌گناهان را به بهترین شکل به تصویر بکشد. وی با بهره‌گیری از استعاره در کلمه «دماء»، به خوبی کشتار و خونریزی را به نمایش می‌گذارد: «أطفال رسمت الدماء علی ملابسهم صوراً غاضبة» [کودکانی که خون بر روی لباس‌هایشان تصاویر خشمگینی را نقاشی کرده است] (همان: ۱۲۵).

۵. سطح تفسیر

تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر یعنی دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. همچنین از نظر مفسر ویژگی‌های صوری متن در حقیقت به منزله سرنخ‌هایی است که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد و تفسیر، محصول ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در اینجا برای درک بهتر متن، نخست باید سطح تفسیر را به دو بخش تقسیم کرد و سپس به تحلیل آن پرداخت.

۵-۱. بافت موقعیتی

با چند پرسش می‌توان به تفسیر بافت موقعیتی پرداخت؛ مثل ماجرا چیست؟ یعنی در متن چه فعالیتی در حال انجام‌دادن است؟ عنوان و هدف این فعالیت چیست؟ جان‌مایه اصلی متن چیست؟ جان‌مایه یک متن، عبارت است از خلاصه تفسیر آن به‌عنوان یک واحد کل، که مفسر می‌تواند بدان دست یابد و در حافظه بلندمدت خود آن را نگهداری کند تا در صورت نیاز به آن مراجعه شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۹). ماجرای اصلی رمان، شرایط ناگوار مردم فلسطین را بیان می‌کند و از ظلمی که توسط اشغالگران صهیونیستی به این ملت روا شده است، سخن می‌گوید. همچنین بحران درونی را که یک «انسان فلسطینی» درباره وطن و هویت خود با آن روبه‌روست، آشکار می‌سازد. همان‌گونه که گفته شد وائل به‌عنوان شخصیت اصلی رمان که تقریباً تمام حوادث حول محور او می‌چرخد، پس از آشنایی با دختری آمریکایی به نام جین، با اصرار او، تصمیم می‌گیرد به آمریکا مهاجرت کند تا در نزد جین بتواند زندگی جدیدی سرشار از رفاه و امنیت را برای خود بسازد و به آرزوهای خویش دست یابد. او مبارزه مردم فلسطین، آن هم با سنگ را کاری عبث و بیهوده تلقی می‌کند و صحبت‌های برادر مبارزش درباره وطن و هویت را به باد سخره می‌گیرد. می‌توان گفت این رمان عرصه تقابل دو نگرش و دو دیدگاه درباره شیوه مواجهه با دشمن صهیونیستی است. وائل پس از این تصمیم، از سوی هموطنان خود به خیانت و مزدوری متهم می‌شود. گذشته از این او خود دچار نوعی کشمکش درونی نیز هست؛ یعنی هنوز نمی‌داند تصمیمی که گرفته درست است یا نادرست؟ بارها در ذهن خود دچار شک و تردید شده است. اما در نهایت با یک تلنگر ذهنی در فرودگاه آمریکا و با دیدن صحنه بازداشت برادرش از تلویزیون، به خود می‌آید و تصمیم به بازگشت به وطن می‌گیرد؛ هرچند عمر او مجال این کار را نمی‌دهد. موضوع رمان از ابتدا تا انتها در این باره است که آیا باید فقط به فکر زندگی شخصی خویش بود و به وطن و هویت آن اهمیتی نداد، یا برعکس، باید خود را فدای آزادی و مبارزه در راه وطن کرد.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ این پرسش نیز دربارهٔ زمینه مطرح می‌شود. شخصیت‌ها و شرکت‌کنندگان اصلی رمان، وائل، برادرش علی، خواهرش حیا و مادرش هستند که اعضای یک خانوادهٔ فلسطینی را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی، چین و پیرزنی که در حین پرواز کنار صندلی وائل نشسته، از دیگر شخصیت‌های این رمان به شمار می‌روند. از نظر جایگاه موقعیتی شخصیت‌ها، وائل خود را در جایگاهی برتر از دیگر افراد خانواده می‌بیند. به همین دلیل است که با وجود ناراضی بودن آنان، تصمیم مهاجرت خود را عملی می‌کند. زیرا او معتقد است که دیگران اشتباه می‌کنند و تصمیم او برای مهاجرت، کاملاً درست است. از سوی دیگر، نیروهای اشغالگر فلسطین، به‌ویژه فردی که در اتاق بازجویی از وائل بازجویی می‌کند و برای گرفتن اعتراف او را شکنجه می‌دهد، در جایگاهی فرادست نسبت به سایر شخصیت‌های رمان قرار دارد. اما بقیهٔ شخصیت‌ها مثل اعضای خانوادهٔ وائل، از لحاظ جایگاه اجتماعی در رمان، هم‌پایهٔ یکدیگر هستند. یعنی ارتباط میان آن‌ها از نوع تعاملی است و بر پایهٔ فرادستی یا فرودستی استوار نیست.

۵-۲. بافت بینامتنی

در رمان لن اموت سدی عبارت‌ها، مفاهیم و جملاتی به چشم می‌خورد که نویسنده به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم آن‌ها را از بافت قرآن و احادیث نبوی اقتباس کرده است چراکه جهاد رجبی نویسنده‌ای اسلامگراست. او در آثار خود، فراوان از قرآن، احادیث نبوی و از گذشتهٔ پرافتخار تمدن اسلامی الهام می‌گیرد و مفاهیم و تعالیم دینی را در لابه‌لای متن داستانی خود می‌گنجاند. همان‌طور که اشاره شد «علی»، برادر وائل، از مبارزان جنبش مقاومت فلسطین است و به‌طور همه‌جانبه با دشمن صهیونیستی به مبارزه می‌پردازد. اما وائل مقاومت برادرش را بی‌ثمر می‌پندارد. باین‌حال «علی» شخصیت معتقدی است و به نیکی می‌داند که در تعالیم اسلامی اهمیت ایمان به خداوند بسیار مورد تأکید است، به‌طوری‌که با تمسک به حربهٔ ایمان می‌توان بر مشکلات زندگی غلبه کرد. از این‌رو وی در سخنان خود به مضامین اسلامی تمسک وافر می‌جوید و شاید انتخاب نام «علی» برای این شخصیت توسط مؤلف متن، به دلیل تقید و تعهدش در قبال اصول و مبادی اسلامی بوده باشد. وائل که نقطهٔ مقابل علی است و خود را روشنفکری مدرن می‌داند، در جایی از رمان به برادرش می‌گوید: «اسکت یا علی... لاتقل إن ایمانک خیر من أسلحةٔ عدوک» [ساکت شو علی، نگو ایمانت برتر از سلاح دشمن است] (رجبی، ۱۹۹۳: ۵۱). این جمله نشان دهندهٔ اعتقاد راسخ علی به اسلام و عدم پایبندی وائل به آن است. چراکه در باور وائل، جنگ و درگیری با صهیونیست‌ها که جبههٔ مقاومت آن را دفاع از خود می‌داند، نتیجه‌ای جز شکست و نابودی ندارد. لذا گفت‌وگویی میان علی و برادرش انجام می‌شود:

- معركة يحارب الله فيها معى لا يمكن أن أخسرهما!!

- منذ ثلاثين عاما يحارب الله معنا.. ما الذى حدث؟!

- إن الله يميز الخبيث من الطيب» (رجبى، ۱۹۹۳: ۵۱)

[در نبردى که خداوند در آن همراه من مى‌جنگد، ممکن نیست شکست بخورم! سى سال است که خداوند همراه ما مى‌جنگد. چه اتفاقى افتاد؟! قطعاً خداوند ناپاک را از پاكان جدا مى‌کند].
جملات على برگرفته از تعاليم اسلامى و عبارت «لِيَمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» در متن قرآن كريم است (أنفال / ۳۷). وى با ذكر اين جمله اعتقاد راسخ خود را بازگو مى‌كند كه دست عنایت الهى با مجاهدان راه حق است و آن‌ها را در تنگناها يارى مى‌بخشد تا در اين آزمون صالحان از ناصالحان مشخص شوند. در جای دیگری از داستان، پيرزن همسفر وائل پس از آنکه از عظمت اهرام سه‌گانه مصر و اقتدار منحصر به فرد فرعون سخن به میان مى‌آورد، در ادامه چنین مى‌گوید: «احتجت عشر سنين من البحث والعمل، لأكشف أن ما تركه المسلمون أعمق أثراً، وأقوى تأثيراً، أتعرف لماذا؟ لأن الفراعنة ينتزعون منك الدهشة والخوف، يُلَوِّنون وجهك بالإثارة، ولا يمنحونك غير الشعور بعظمتهم، بينما يدهشك المسلمون، بحضارتهم، ويمنحونك القدرة على الاستمرار من حيث توقفوا» [ده سال باید تحقیق و تفحص می‌کردم تا نشان دهم که آنچه مسلمانان به جا گذاشته‌اند، تأثیری عمیق‌تر و پربارتر داشته است. می‌دانی چرا؟ چون فرعونیان حیرت و ترس را از تو می‌گیرند، تو را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند تا تنها به افتخارات آن‌ها فکر کنی، درحالی‌که مسلمانان با تمدن خود تو را شگفت‌زده می‌کنند و این توانایی را به تو می‌بخشند تا از آنجایی که کار متوقف شده است، تو ادامه مسیر بدهی] (رجبى، ۱۹۹۳: ۴۲). مؤلف با آوردن این جملات، که از تمدن با شکوه اسلامى سخن به میان مى‌آورد، ایدئولوژى خود را به مخاطب القا مى‌کند و یادآور مى‌شود که مسلمانان باید خود را بزرگ بشمارند و همواره تمدن درخشان خود را به یاد آورند.
در جای دیگری از داستان، به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) برمی‌خوریم که مؤلف از آن، در متن خود الهام گرفته است؛ آنجا که پيرزن با وائل در هواپیما به گفت‌وگو مى‌پردازد و مى‌گوید:

- الإنسانية تجعل الناس متشابهين!

- هل تعتقدین حقا (أنا كلنا بشر)؟!

- وربما سواسية كأسنان المشط» (همان: ۴۳).

[انسانیت، میان مردم پیوند برقرار مى‌کند. آیا واقعاً فکر مى‌کنی همه ما انسانیم؟ شاید همچون دندان‌های شانه با همدیگر برابر باشیم].

این جمله برگرفته از حدیث معروف پیامبر است که فرموده‌اند: «الناس سواسية كأسنان المشط الواحد لا فضل لعربی على أعجمی إلا بالتقوى.» [مردم همچون دندان‌های شانه با یکدیگر برابرند. عرب هیچ

فضیلتی بر عجم ندارد؛ جز به واسطه تقوی. [افزون بر آن مفهوم برابری انسان‌ها با یکدیگر و برخورداری همه آحاد جامعه از حقوق مساوی و عدالت یکسان اجتماعی را می‌توان در قرآن کریم نیز یافت، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳). پیرزن در ادامه صحبت‌های خود برای وائل تعریف می‌کند که چرا اسم دخترش را «نور» گذاشته است؟ دلیل این نامگذاری، تولد دختر به هنگام طلوع آفتاب و ظاهر شدن پرتوهای نورانی در پهنه آسمان بوده است: «عندما سمعت عبدالله (زوج هدی) يقول في صلاته أن الله نور السماوات والأرض، أحسست أن طفلي ستكون نورا لقلبي!» [وقتی شنیدم عبدالله، شوهر هدی، در نمازش این آیه را می‌خواند «خدا نور آسمان‌ها و زمین است»، احساس کردم که فرزندم موجب نورانیت قلبم خواهد شد] (رجبی، ۱۹۹۳: ۴۴). این متن عبارت «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور / ۳۵) را در اذهان مخاطب تداعی می‌کند. وائل در ادامه گفت‌وگوهای خود با پیرزن این گونه از حقیقت انسان‌ها سخن می‌گوید: «... وستجدينه يا سيدتي أحرص الناس على الحياة ویتمنی لو یعمر ألف سنة.» [خانم! او را حریص‌ترین انسان‌ها در زندگی خواهی یافت و آرزو می‌کند کاش هزار سال عمر می‌کرد.] (رجبی، ۱۹۹۳: ۴۵). این متن به طور واضح با آیه‌ای از سوره بقره روابط بینامتنی دارد؛ آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزِحٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ» (بقره / ۹۶).

۶. سطح تبیین

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. فرکلاف تبیین گفتمان را به‌عنوان کنشی اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند و تبیین گفتمان‌ها چه نوعی از تأثیرات بازتولیدی را بر آن ساختارها می‌گذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

گفتمان نویسنده رمان لن‌اموت سده گفتمان خودشناسی، آزادی و مقاومت در برابر اشغالگران است. این گفتمان به شناخت هویت خویشتن و به دنبال آن ایفای رسالت سازنده انسان‌ها در این جهان منجر می‌شود. همان‌طور که از عنوان داستان برمی‌آید، نویسنده قصد دارد این ایدئولوژی را به مخاطبان خود القا کند که شخص باید هدف از زندگی خود را بشناسد و بکوشد تا در این دنیا، حیات و مرگی هدفمند و تأثیرگذار داشته باشد.

در باور مؤلف پایبندی به تعالیم دینی، حفظ کرامت انسانی و بزرگداشت فرهنگ غنی و تمدن پرافتخار اسلامی، در هویت‌یابی «انسان فلسطینی» نقش بسزایی دارد. بنابراین دیگر به غرب به‌عنوان قبله آمال انسان‌ها و عرصه تحقق آرزوهایشان نمی‌نگرد. افزون بر آن نگاه تحقیرآمیز به ملت و وطن نیز از دیگر

گفتمان‌های غالبی است که نویسنده برای تبیین اندیشه خود از آن استفاده کرده و آن را در شکل‌گیری گفتمان اصلی داستان، دخالت داده است.

با توجه به سه سؤال اصلی مطرح‌شده از سوی فرکلاف (عوامل اجتماعی، ایدئولوژیک، تأثیرات) در سطح تبیین، به‌طور خلاصه باید گفت که عوامل اجتماعی و روابطی که در شکل‌گیری ایدئولوژی مقاومت در برابر ظالمان و نیز گفتمان هویت‌یابی، نقش داشته‌اند عبارت‌اند از: آزادی‌خواهی، ظلم و استبداد، شکنجه و عذاب؛ یا به‌طور کلی نظام سلطه و قدرت. این عوامل منجر به شکل‌گیری مبارزات مردمی فلسطین شده و بر نهادهای اجتماعی تأثیر نهاده است. در نتیجه نیروهای مردمی با یکدیگر همسو شده‌اند و با حمایت همدیگر برای تحقق گفتمانی بر ضد گفتمان حاکم بر جامعه تلاش می‌کنند. این تلاش‌ها در نهایت نگرش شخصیت اصلی رمان را تغییر می‌دهد و به حاکمیت ایدئولوژی مورد نظر مؤلف یعنی کسب هویت، آزادی و مبارزه با اشغالگران می‌انجامد.

۷. نتیجه‌گیری

از آنچه در بررسی رمان لن آموت سدی گذشت، دریافتیم که این رمان در سطح توصیف واژگان، از بار ایدئولوژیکی معناداری برخوردار است و مؤلف با استفاده از روابط معنایی میان کلمات، سعی در القای دیدگاه خود داشته و از کارکردهای مختلفی چون شمول معنایی، هم‌معنایی و تضاد معنایی بهره برده است. همچنین مؤلف با استفاده از انبوه جملات فعلیه و بسامد بالای افعال مثبت، رمان را در مسیر پویایی و حرکت فزاینده قرار داده است. افزون بر آن با کاربرد بالای ضمائر جمع و ایجاد تقابل دوگانه میان ضمیر ما و شما، مفهوم دوگانگی و هویت جمعی را تداعی کرده است. کاربست جملات استعاری و نشان‌دادن معانی ایدئولوژیکی مد نظر نویسنده نیز از دیگر موارد قابل ذکر در سطح توصیف به‌شمار می‌رود.

در سطح تفسیر نیز دانش زمینه‌ای متن با بافت بینامتنی درآمیخته و مؤلف با ذکر جملاتی از قرآن و مضامین اسلامی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، میان اهداف خود با مضامین عالی اسلامی، پیوند برقرار کرده است.

در سطح تبیین نیز، عوامل اجتماعی و روابطی که در شکل‌گیری ایدئولوژی هویت‌یابی و گفتمان مقاومت در برابر اشغالگران نقش داشته‌اند، از این قرارند: آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی در برابر استبداد که در نهایت به اندیشه و گفتمان مورد نظر مؤلف، یعنی کسب هویت، آزادی و مبارزه منجر می‌شود.

منابع

قرآن کریم

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل زاده، فردوس و غیاثیان، مریم سادات (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. زبان و زبان‌شناسی، ۳(۱)، ۷۸-۱۰۴».
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۹۷). *دلایل الإعجاز*. به کوشش محمد تونجی. بیروت: دارالکتب العربی.
- درپر، مریم (۱۳۹۲). «بررسی ویژگی‌های سبکی داستان کوتاه جشن فرخنده از جلال آل احمد با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی. فصلنامه جستارهای زبانی، ۱»، ۳۹-۶۴.
- رجبی، جهاد (۱۹۹۳). *لن أموت سدی*. ریاض: عبیکان.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). «قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در مطبوعات. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران».
- شجاع رضوی، سعید (۱۳۸۶). «جنسیت و شمول معنایی». فصلنامه پازند، ۳(۱۰)، ۱۱-۲۶.
- عکاشه، محمود (۲۰۰۵). *لغة الخطاب السياسي دراسة لنوعية تطبيقية في ضوء نظرية الاتصال*. مصر: دار النشر للجامعات.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و همکاران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میلز، سارا (۱۳۹۲). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی. تهران: هزاره سوم.
- نیستانی، محمود (۱۳۸۳). *تحلیل گفتمان انتقادی در عمل (تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیلی)*؛ تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ورقی، سعید (۱۹۸۴). *فی الأدب العربی المعاصر*. مصر: دار النهضة العربیة.
- ون‌دایک، تئون (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی. ترجمه پیروز ایزدی و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یورگنسن، ماریان و فیلیس، لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.